



تاریخ ملعبه نیست! ...

چندمین بار است که رئیس جمهور بنا بر مناسبتی، موضوع تاریخی «صلح امام حسن (ع)» را پیش می کشد و با تحریف و مصادره به مطلوب این رویداد، به توجیه اقدامات خود می پردازد. این بار اما در این روند و در ایام شهادت پایان ماه صفر از پیامبر اکرم (ص) تا امام رضا (ع) درگیر این روایت گرفتار تحریف شده اند.

آقای حسن روحانی در جلسه هیئت دولت روز چهارشنبه، بیست و سوم مهر ۹۹، ابتدا از صلح پیامبر با مردم مکه و آیه «انا فتحنا لک فتحا مبینا» و رحمت و نرمش ایشان با دیگران سخن گفتند؛ سپس به موضوع صلح امام حسن (ع) پرداختند و ایشان را «امام صلح» نامیدند و افزودند: «اکثریت جامعه آن زمان، خواستار صلح بودند و امام به همین دلیل صلح را انتخاب کردند».

همچنین در ادامه گفتند: «علی بن موسی الرضا (ع) نیز با همین تدبیر ولایتعهدی را پذیرفتند».

البته این اظهارات بی پاسخ نماند و کارشناسان مذهبی، تاریخ دانان و همچنین کاربران فضای مجازی به آن پاسخ گفتند و آن را نقد کردند. به طور کلی در این انتقادات مطرح شده به نکات مهمی اشاره کردند. اولین نکته در تطابق تاریخ و قیاس گذشته و حال، تشابه شرایط زمانی است. یکی از مهم ترین دلایل صلح امام حسن (ع)، خیانت یاران و فرماندهان امام بوده است

که این قیاس سبب شده است تا ملت ایران نیز که در این سال ها مقاومت و ایستادگی فراوانی کردند، بی وفا و خائن قلمداد شوند. نکته دوم بیان کامل علل یک رویداد و سپس نتیجه و پایان آن است؛ اما در این روایت، تنها از نتیجه پیش آمده استفاده می شود و تطابق علت های موجه مغفول می ماند. نکته سوم، عوامل درگیر در رویداد هستند که در صلح امام حسن (ع) این اتفاق در بین مسلمانان رخ می دهد؛ اما رئیس جمهور در صحبت های خود این را به صلح و مذاکره با آمریکا و کشورهای استعمارگر که بیرونی محسوب می شوند، پیوند می زند. نکات مهم دیگری نیز در این قیاس تاریخی وجود دارد؛ اما مهم ترین نکته ای که در انطباق یک رویداد با حوادث اکنون باید به آن توجه کرد، مطالعه درست تاریخ و آگاهی کامل از شرایط کنونی است؛ اما متأسفانه گاه سود شخصی ما بر حقیقت چیره می شود و سبب می شود تاریخ را نیز برای رسیدن به امیال خود و توجیه اقداماتمان تفسیر به رای کنیم.

در این میان، شاید مهم ترین مسئله فارغ از تحریف تاریخی صورت گرفته، این باشد که آیا با وجود برجام و مذاکره هایی که در این ۷ سال صورت گرفته است مگر ما در جنگ بوده ایم که به دنبال صلح باشیم؟

آقای روحانی، خوب است بدانید شعار صلح را ما قبل از انتخابات سال ۹۲ و تبلیغات شما شنیده ایم و با گلابی برجام طعمش را هم

چشیده ایم و ثمره اش را هم با چند برابر شدن نرخ ارز و کاهش ارزش پول ملی و بنزین ۳۰۰۰ هزار تومانی و تورم های نجومی دولتتان فهمیده ایم. نیاز به این قیاس های مع الفارق و تحریف سیره ائمه نیست و آنکه برای فرار از پاسخگویی راه های دیگری غیر از سوء استفاده از تاریخ نیز هست.

در آخر نیز باید متذکر شد که صلح تا زمانی بر جنگ ترجیح دارد که طرف مقابل به دنبال زورگویی و باج خواهی نباشد.

در این هنگام صلح فراتر از حماقت، خیانت است؛ اما متأسفانه تاریخ همیشه نشان داده است که قدم زدن و انداختن عکس یادگاری و تقدیم کردن امتیازهای گوناگون، پاسخگوی زیاده خواهی آمریکا نخواهد بود و این چراغ سبز مذاکره در روزهای نزدیک به انتخابات آمریکا، تنها نمکی بر روی زخم مردمی است که سال ها منتظر ثمره برجام در زندگیشان بوده اند. و حسن ختام را از زبان رهبرمان بخوانیم:

«نه آمریکا و نه بزرگ تر از آمریکا، قادر نیستند حادثه ای مثل حادثه صلح امام حسن را بر دنیای اسلام تحمیل کنند. اینجا اگر دشمن زیاد فشار بیاورد، حادثه کربلا اتفاق خواهد افتاد... بار سفر بایست بست، کربلاها در پیش است...»

غفلت از «حق همه»

آموزش و پرورش از مسائل بسیار اساسی در همه جوامع است. امروزه نقش آموزش و پرورش بسیار پررنگ شده و حائز اهمیت است به گونه‌ای که بانک جهان (world bank)، در بیان شاخص‌های توسعه جهانی مسئله آموزش و پرورش را از جمله‌ی شاخص‌های مذکور می‌داند.

حق آموزش، از جمله حقوقی است که زیر مجموعه حقوق بشر قرار می‌گیرد و به این معناست که افراد یک جامعه، حق برخورداری از امکانات آموزشی رایگان را دارند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز، اصول مختلفی از حق آموزش و پرورش را به عنوان یک حق رایگان و همگانی یاد کرده. برای مثال، در بند سوم اصل سوم قانون اساسی عنوان شده: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر بکار برد: ۳- آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی».

همچنین در اصل سی‌ام قانون اساسی آمده است که: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت، تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور، به طور رایگان گسترش دهد».

اما مسئله اصلی این است که آیا با توجه به جایگاه مهم آموزش و پرورش و همگانی و رایگان بودن این حق، توزیع مناسبی در این زمینه صورت گرفته است؟ و آیا عدالت آموزشی در کشور

به معنای واقعی کلمه و طبق اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی اتفاق افتاده؟

برای پاسخ به این سوال ابتدا باید به بررسی مفهوم عدالت پرداخت.

عدالت مفهومی است که انسان از آغاز تمدن خود آن را به عنوان یک فضیلت می‌شناخته و برای استقرار آن کوشیده است و بنابراین نص قرآن کریم از اساسی‌ترین مفاهیم دین و هدف بزرگ پیامبران دانسته شده است. در تعریف لغوی عدالت غالباً بر واژه‌های برابر، مساوات، میانه‌روی، حد واسط میان افراط و تفریط، موازنه، قراردادن هر چیزی در جای خود، اندازه و اعتدال و... تکیه شده است.

در واقع عدالت از آن دست مفاهیمی است که دارای اقسام، گوناگونی می‌باشد؛ برای مثال: عدالت اخلاقی، سیاسی، حقوقی، کلامی، اقتصادی، عدالت اجتماعی و...

همچنین برخی عدالت را بر تبادلی و توزیعی تقسیم کرده‌اند. با توجه به مفهوم عدالت توزیعی، که به بیان توزیع مناسب امکانات در بین همه افراد جامعه می‌پردازد؛ بنظر می‌رسد توزیع عدالت آموزشی که شامل دسترسی برابر همه افراد به معلم، فضای عمومی آموزشی و غیره در بسیاری از کشورها از جمله ایران رعایت نشده است.

در سال جاری، دانش‌آموزان بسیاری به دلیل شیوع بیماری کرونا و به دنبال آن تعطیلی مدارس از ادامه تحصیل بازماندند.

برخی از آنها علی‌رغم میلی که به آموزش و درس خواندن داشتند، به دلیل عدم وجود امکانات حداقلی از قبیل گوشی، تبلت و لپ‌تاپ ترک تحصیل کرده‌اند. اخیراً نیز خبری در رسانه‌ها منتشر شد که دانش‌آموزی ۱۱ ساله به دلیل نداشتن گوشی و عدم حضور در کلاس درس مجازی دست به خودکشی زده است. اگرچه این خبریک روز بعد تکذیب شد، لکن با عنایت به این امر که آموزش یک حق است و همه افراد جامعه جدا از توانایی مالی باید دسترسی کامل به آموزش داشته باشند، و نیز علی‌رغم تصریح قانون اساسی به همگانی بودن و رایگان بودن حق آموزش و پرورش، بنظر می‌رسد از سمت نهادهای ذی‌ربط از جمله وزارت آموزش و پرورش، برای توزیع مناسب عدالت آموزشی و پیشگیری از به وجود آمدن چنین مشکلاتی، هیچ تلاش جدی‌ای صورت نگرفته است.

بنابراین با توجه به اینکه عدالت آموزشی به عنوان مهم‌ترین بحث حوزه آموزش، پرورش و مدیریت تعلیم و تربیت می‌باشد، متصدیان امر آموزش باید تلاش خود را در جهت اعتلای عدالت آموزشی و فراهم کردن زمینه‌ای برای دستیابی به عدالت اجتماعی، به کار گیرند.

زهراسادات موسوی



بازی سرسربازی!

بر اساس قانون خدمت و وظیفه عمومی، دوره خدمت عمومی برای هر فرد مذکوری ضروری است.

این خدمت عمومی در مرحله اول، یک دوره آموزش نظامیست، تا در مواقع اضطرار - مثل جنگ - تمامی مردان این سرزمین آشنایی اولیه‌ای از فنون و مهارت‌های نظامی پیدا کرده باشند و دارای توانایی لازم جهت خدمت برای دفاع از تمامیت ارضی کشور باشند.

هم‌چنین در مرحله دوم، نوعی مردمی کردن خدمت در حفظ امنیت است که هرکسی که شرایط لازم را دارد از طریق سرسربازی به حفظ امنیت کشور کمک کند.

بدیهی است که با توجه به شرایط جغرافیایی، سیاسی و اجتماعی کشور، امکان حذف کامل بخش آموزشی از سرسربازی وجود ندارد؛ زیرا ایران کشوری است که همواره مورد هجوم ملت‌های مختلف قرار گرفته است و دارای دشمن‌هایی است که هدفشان نابودی و تجزیه ایران می‌باشد و وجود گروهک‌های تجزیه طلب در مناطق مرزی و گروهک‌های تکفیری در اطراف کشور نشان دهنده اهمیت روزافزون این آموزش برای تقویت بنیه دفاعی می‌باشد تا امنیت به وجه احسن تامین شود.

از طرفی دیگر آمادگی نظامی، پیش‌نیازی ضروری برای انجام فریضه جهاد در یک جامعه اسلامی است و این ضرورت وجود دوره‌های آموزشی را دو چندان می‌کند.

سربازی مدرن برای اولین بار توسط ناپلئون بناپارت در قرن ۱۸ میلادی تشکیل می‌شود که پس از موفقیت‌های چشمگیر این رهیافت در جنگ، نیروهای نظامی دیگر کشورها نیز در پی ایجاد نظام سرسربازی شدند تا از این طریق بوسیله هزینه کم، قدرت

زیادی در زمینه جنگ کسب کنند؛ اما رفته رفته با غلبه دیدگاه فردگرایی در سیاست و جامعه و همین‌طور با حرفه‌ای‌تر شدن جنگ‌ها و تخصصی‌تر شدن امور نظامی، دیگر نه تنها خدمت سرسربازی روشی کارآمد برای حفظ امنیت نمی‌باشد بلکه به روشی تبدیل شده که علاوه بر هزینه‌زا بودن، آسیب‌های روحی روانی زیادی به جوانان این مرز و بوم در طی این خدمت تحمیل گردیده است.

خدمت سرسربازی سبب تحولات بسیاری در زندگی جوانان می‌شود زیرا در طی این دوره، فرد با افرادی از فرهنگ و طبقات مختلفی وارد زندگی گروهی می‌شود و این بر نحوه زیست اجتماعی فرد تا آخر عمر تأثیرگذار است؛ اما این زندگی گروهی همواره خطری برای افرادی که مستعد آسیب‌های روانی هستند می‌باشد و زمینه بروز اختلالات روانی را برای برخی از گروه‌های آسیب‌پذیر از جمله قشر کمتر تحصیل کرده باز می‌کند. مسئله استعمال دخانیات نیز همواره مشکلی فزاینده در طول سرسربازی می‌باشد که به دلیل افزایش فشارهای روانی، افراد را به سمت استعمال دخانیات می‌کشاند و هنوز راه حل مناسبی نیز جز کمتر فشار آوردن به سرباز برای حل این مسئله وجود ندارد.

در طی خدمت عمومی اگر سربازان دارای مدارک تحصیلی لیسانس به بالا باشند و در زمینه تخصصشان استفاده نشوند؛ در واقع اسراف آنهمه وقت و زحمت جهت اخذ آن تخصص است که باعث هدررفت منابع انسانی می‌شود. از سوی دیگر زمانی که افرادی از روی اجبار به کاری گمارده می‌شوند، بهره‌وری کار به شدت افت می‌کند زیرا هیچ انگیزه‌ای در پس خدمت رسانی نیست.

فلذا با توجه به این گزاره‌ها اگر در پی کاهش هزینه‌ها و افزایش کارایی در نهادهای نظامی هستیم باید تلاش کنیم تا با حقوق سربازان را به طرز قابل توجهی افزایش دهیم و یا در پی ایجاد ارتشی حرفه‌ای باشیم تا با توجه به هزینه‌ای که می‌شود، کارآمدی بالایی را نیز شاهد باشیم.

این نکته نیز حائز اهمیت است که بیش از ۶۰ درصد سربازهای فراری از قشر کم‌درآمد جامعه هستند و به دلیل وضعیت بد مالی توانایی رها کردن شغل خود و رفتن به خدمت را ندارند پس باید برای سربازانی که از قشر آسیب‌پذیر جامعه هستند، توجه بیشتری صورت پذیرد و برای خانواده این سربازان تسهیلات ویژه‌ای در نظر گرفته شود.

از جمله معضلات بزرگ دیگری که در سرسربازی وجود دارد مسئله عدم حفظ کرامت انسانی سرباز است. در طی این دوره، سرباز با تحقیرهای مختلفی از طرف دیگران مواجه می‌شود که باعث کاهش حس اعتماد به نفس فرد در طول زندگی‌اش می‌شود و این اثرات مخرب زیادی بر سبک زندگی فرد ایجاد می‌کند.

در نهایت اگر نیروهای مسلح در پی تقلیل مدت زمان سرسربازی برای کمتر شدن این مشکلات ناشی از آن نیست باید با ارائه راهکارهایی در پی استفاده مفید از زمان و استعدادها سربازان باشد و با کاهش مشکلات عدیده سرسربازی، به احقاق حقوق نادیده گرفته شده سرباز بپردازد تا سربازان دیدگاه مثبتی نسبت به نظام و نیروهای مسلح پیدا کنند و انگیزه مثبتی پیدا کنند جهت پیشبرد امور محوله‌شان.

علی محبی